

چگونگی تئوریزه‌شدن الگوی توسعه غربی و کیفیت تئوریزه‌شدن الگوی پیشرفت

اسلامی در دوران گذار

احمد زیبایی نژاد^۱

چکیده

تحوّل در ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای ایجاد تمدن مدرن را فرآیند «توسعه» می‌داند؛ اما «پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با توسعه در منطق تمدن مادی غرب. آنها با یک جهت - جهت مادی - به توسعه نگاه می‌کنند. اما در منطق اسلامی، پیشرفت ابعاد جامعی دارد: پیشرفت در علم، پیشرفت در اخلاق، پیشرفت در عدالت، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در اقتصاد، پیشرفت در عزت و اعتبار بین‌المللی، پیشرفت در استقلال سیاسی، پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای متعال». (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۱/۷/۱۹). براین اساس، پژوهش حاضر برای تحلیل سازگاری مدل‌های رایج توسعه غربی با مبانی اسلامی و ویژگی‌های جامعه ایران، ابتدا به تبیین نظری «نظام مفاهیم، ساختارها و محصولات» مدل‌های رایج توسعه غربی و ارزش‌های مادی برخاسته از فرهنگ آن پرداخته و سپس برای حرکت به سمت مدل مطلوب اسلامی ایرانی به طراحی چارچوب نظری برای الگوی پیشرفت اسلامی در «دوران گذار» می‌پردازد. به عبارت بهتر، با شناخت دقیق و قاعده‌مند از چارچوب مدل‌های رایج دنیا و تأثیرگذاری آن در وضع موجود کشور ایران، به ترسیم الگوی گذار برای تغییر جهت در شاخصه‌های کمی و کیفی آن مدل‌ها می‌پردازد. البته این الگو، مدل شیب برای دوران گذار است تا بتوان در آینده با الگوی مطلوب پیشرفت اسلامی به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی حرکت کرد. باید توجه داشت که به صورت منطقی، هر الگوی گذار بدون طراحی الگوی مطلوب امکان‌پذیر نیست. لذا الگوی پیشنهادی دوران گذار در این مقاله براساس الگوی مطلوب پیشرفت اسلامی طراحی شده است.

واژگان کلیدی: پیشرفت اسلامی، دوران گذار، مفاهیم، ساختارها، مدل مطلوب اسلامی

۱. مقدمه

«توسعه»، برابر با تحقق تمدن جدید در مراحل گذار تاریخی هر ملت است. بنابراین توسعه نباید به معنای «رشد اقتصادی» و یا مصادیق آن مانند «ایجاد اشتغال»، «کاهش تورم» و... معنا شود، بلکه این امور از آثار توسعه یا شاخصه‌های اقتصادی توسعه است و توسعه خود دارای ارکان و ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

برای تحلیل سازگاری مدل‌های رایج توسعه غربی با مبانی اسلامی و ویژگی‌های جامعه ایران، این سؤالات مطرح است که خاستگاه پیدایش مدل‌های توسعه چیست و این خاستگاه، چگونه «نظام مفاهیم» خود را تئوریزه نموده است؟ سپس در روند توسعه‌یافتگی، چه ساختاری را برای «ضرورت، موضوع و هدف» خود ترسیم نموده‌اند؟ در نهایت «محصولات» سیاسی، فرهنگی و اقتصادی الگوی توسعه غربی چیست؟

آیا مدل‌های رایج توسعه غربی، با اهداف نظام اسلامی که داعیه‌دار تحقق پیشرفت الهی است، سازگارند؟ نظام اسلامی با چه الگو و مدلی می‌تواند از مدل‌های رایج توسعه بیرون بیاید و به طرف الگوی مطلوب الهی حرکت نماید؟

باید توجه داشت که نتیجه توسعه مادی تمدن غرب، «رشد کالا و تولید» و «ارتقاء شاخصه‌های کالاها و استانداردهای آن» است. در حالی که هدف نظام اسلامی، تکامل «آزادی‌ها، آگاهی‌ها، ایثارها» می‌باشد. پس به طور کلی «هدف نهایی از پیشرفت در مبنای اسلام، تقرب به خداست که هم دنیا در این پیشرفت مورد نظر، ملحوظ شده است، هم آخرت.» (برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۱۹)

در این روند است که قبض و بسط بین مأموریت‌ها در نظام بوجود می‌آید و عملکردها در کشمکش «توسعه‌یافتگی غربی» و «پیشرفت اسلامی» دچار چالش و سایش می‌شوند. براین اساس، شناخت مبنایی از «مفاهیم، ساختارها و محصولات» مدل‌های رایج توسعه غربی برای طراحی الگوی پیشرفت اسلامی در دوران گذار، امری ضروری است.

در الگوی دوران گذار، متغیرهای مدل رایج توسعه حذف نشده است، بلکه منزلت و ارزش گذاری آنها با رویکرد مبانی اسلامی تغییر کرده که در نتیجه، تعاریف جدید پیدا می‌کند تا بتوان با این الگوی گذار، از «وضع وجود» خارج شده و به طرف «الگوی مطلوب» حرکت نمود.

بی‌تردید ترسیم الگوی پیشرفت در دوران گذار، بدون طراحی چارچوب الگوی «مطلوب پیشرفت اسلامی»^۲ امری ناصواب و غیرمنطقی است که در الگوی مطلوب، دیگر تمامی متغیرها بر مبنای عقلانیت دین‌محور طراحی می‌شود.

از طرفی، ارائه الگوی مطلوب پیشرفت، بدون طراحی مدل شیب (الگوی دوران گذار)، امری نظری و غیرکاربردی خواهد بود.

البته این پژوهش، در سه سطح «روشی، فلسفی و مصداقی» صورت گرفته است که به دلیل محدودیت‌ها در ارائه مقالات، از مباحث روشی و مصداقی صرف نظر شده و به مباحث «مبنایی و جامعه‌شناسی» پرداخته شده است.

۲. چارچوب نظری مبانی توسعه غربی؛ در سه سطح نظام «مفاهیم، ساختارها و محصولات»

۲/۱. کیفیت تئوریزه‌شدن «نظام مفاهیم» مبانی توسعه غربی

فلسفه‌ی علمی به معنای نفی متافیزیک (اندیشه دینی انبیاء) در عرصه تولید اندیشه علمی است و فلسفه علم یا فلسفه‌ی شدن مادی نیز دارای «فلسفه چگونگی، فلسفه چیستی و فلسفه چرایی» بوده و «فیزیک، ریاضی و زیست» متکفل فلسفه چگونگی در آن است و بر فلسفه چیستی و فلسفه چرایی حاکم است.

۲. مقاله «چگونگی تئوریزه‌شدن الگوی مطلوب پیشرفت اسلامی» در محور ۷ سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (واکاوی ایده‌ها و عناصر پایه برای شکل‌گیری نظریه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت) ارائه شده است.

نظام مفاهیم یا طبقه‌بندی علوم بر مبنای فلسفه علمی، از ضرایب فوق در نظام فلسفه‌ی شدن مادی تبعیت می‌نماید.

در فلسفه علمی، روش تحقیق و ضرایب فنی و مدیریت تحقیقات از دولت سرمایه‌داری سفارش می‌پذیرد و در مراکز تحقیقات و دانشگاه‌ها پیش‌فرض‌ها، تئوری‌ها و کنترل‌ها حسی می‌باشند.

نظام گمانه‌زنی و تطرق احتمالات در فلسفه علمی بر اساس اندیشه بشر استوار است و از این رو هیچ‌گونه تحلیلی از بن‌بست‌های خود در تولید احتمالات نداشته و دچار تلون می‌گردد و شاخصه‌ای برای صحیح و غلط در تولید اندیشه علمی ندارد. هم‌چنین از جریان اندیشه‌های دینی در عرصه اندیشیدن بشر به دلیل غیرکاربردی بودن آن جلوگیری می‌کند.

۲/۲. ضرورت توسعه‌یافتگی «جامعه‌ی تاریخی»، «جامعه‌ی اجتماعی» و

«جامعه‌ی اقتصادی» بر اساس ساختارهای مدل توسعه غربی

۲/۲/۱. کیفیت تئوریزه‌شدن «جامعه‌ی تاریخی»

بر اساس فلسفه‌ی علم در مبانی غربی، تعریف انسان و کیفیت نیاز و ارضاء آن محدود به دنیا یا طبیعت مادی می‌شود، بنابراین باید متغیرهای تأمین نیاز و ارضاء مادی آن نیز اساس در تقسیم دوره‌های تاریخ بشر قرار گیرد.

بر این اساس، تاریخ به چهار دوره تقسیم می‌شود:

۱. دوره‌ی تاریخی اولیه: حفظ و تداوم حیات طبیعی

۲. دوره‌ی تاریخی متکی بر انقلاب کشاورزی: حفظ و تداوم حیات اجتماعی

۳. دوره‌ی تاریخی متکی بر انقلاب صنعتی: حداکثرکردن تولید با تخصیص منابع محدود به روابط تولیدی

۴. دوره‌ی تاریخی آینده: سازگار نمودن تولید اقتصادی با شرایط حفظ تعادل محیط زیست

البته باید توجه داشت منشأ تقسیم فوق به عوامل تلفیق تولید در هر دوره باز می‌گردد که عبارت است از:

الف. علم و فن؛ ب. منابع طبیعی؛ ج. انرژی مصنوعی؛ د. انگیزه (روابط اجتماعی)

همچنین نسبت توسعه هر دوره تاریخی، معرف روابط اجتماعی هر مقطع از تاریخ بوده و باید نسبت تعادل و عدم تعادل نیز متناسب با جریان وجدان عمومی آن دوره تعریف گردد.

۲/۲/۲. کیفیت تئوریزه شدن «جامعه‌ی اجتماعی»

تحوّل در چرخه اصلی زندگی اقتصادی از جامعه سنتی به جامعه مدرن، بر محور «علم و فن» در فرآیند تولید متکی بوده است. به عبارت دیگر در جریان گذر تاریخی مدرن بشر، گسترش علم و فن سبب شده از یک طرف منابع طبیعی بسیار وسیع‌تری در اختیار جوامع صنعتی قرار گیرد و از طرف دیگر جامعه مزبور از جامعه‌ای بسته در روابط اجتماعی به جامعه‌ای باز در روابط اجتماعی تبدیل گردد و منابع انرژی مورد استفاده در تولید اقتصادی، از منابع «انسانی و حیوانی» به منابع «مصنوعی» مبدّل شود.

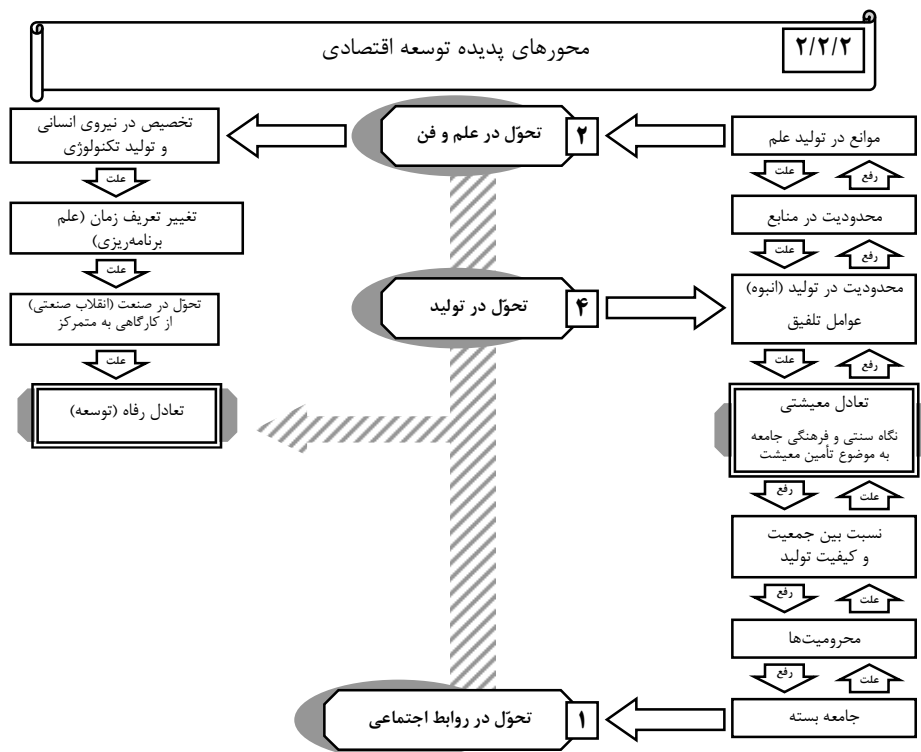
در این میان، محدودیت تولید در فرآیند تولید، از بین رفته و این امر، به‌عنوان محور تحوّل تمدن مدرنیته باعث افزایش بی‌سابقه و اعجاب‌انگیز کمیت و کیفیت و سرعت (صرفه‌جویی‌های عظیم در نادرترین منابع خود یعنی زمان) در تولید انجامیده و زمینه «انسانی نو» را فراهم آورده است. از این رو، به دلیل تحوّل در ظرفیت منابع انرژی، انسانی و ابزاری، «تحوّل در فرآیند تولید» به وجود آمد. همچنین تحوّل در علم و فن نیز پایگاه تحوّل در تکنولوژی گردید، زیرا:

الف. روش کشف علم و فن از «تجربه و خطا» در صحنه تولید سنتی، به «مطالعه کتابخانه‌ای و آزمون‌های آزمایشگاهی و کشف معادله» در تولید مدرن تغییر یافت.

ب. روش انتقال علم و فن از «شاگردی و ممارست» در صحنه تولید سنتی، به «دوره‌های آموزشی از پیش تدوین شده» در تولید مدرن تغییر یافت.

در قدم بعد، تحوّل در روابط اجتماعی از «روابط انسانی قومی در جامعه سنتی» به «روابط انسانی مُدنیّت در جامعه مدرن» تبدیل گردید و انسان‌ها توانستند در سرنوشت نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش مشارکت داشته باشند.

در نهایت، «انقلاب در صنعت، انقلاب در تحقیق و انقلاب در هنر»، اولین دستاوردهای تحوّل در فرآیند تولید بوده است.



۲/۲/۳. کیفیت تئوریزه شدن «جامعه‌ی اقتصادی»

تحولات تاریخ مُدرن بشری، دو تحوّل بزرگ دیگر را در:

الف. ساختار سنتی تولید اقتصادی جامعه در چارچوب‌های روابط اجتماعی

ب. نرخ رشد جمعیت

بر جای گذاشته است.

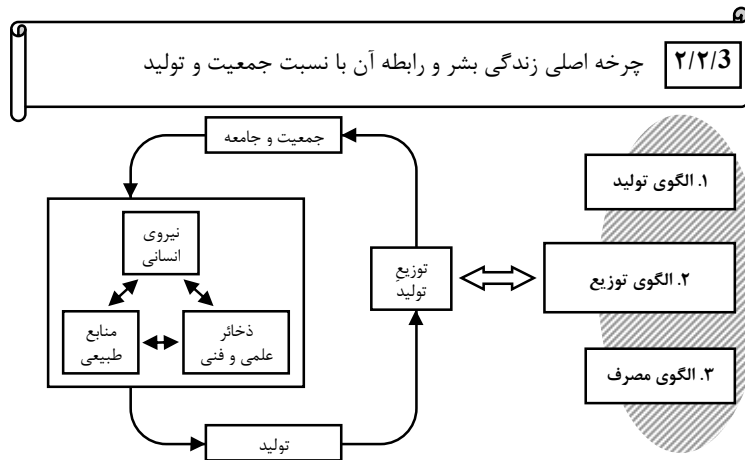
چرخه اصلی زندگی اقتصادی بشر از ارتباط متقابل جمعیت و چگونگی تأمین (کیفیت تولید) نیازهای اساسی تداوم حیات ترسیم می‌گردد.

همیشه بین جمعیت و نیازهای فیزیکی ادامه حیات، رابطه دو طرفه برقرار است. جمعیت در هر لحظه از حیات خویش برای فراهم آوردن وسایل زندگی و تداوم آن، بخشی از نیروی انسانی خود را در اختیار فرآیند تولید می‌گذارد که با ذخایر علمی و فنی جامعه و با منابع طبیعی در دسترس، تلفیق شده و تولید خاصی را در اختیار جامعه می‌گذارد.

ظرفیت تولید در هر دوره تاریخی با عوامل دیگر تلفیق شده و به توزیع حاصل تولید برای خانواده‌ها می‌انجامد. کیفیت تعادل بین جمعیت و تولید و کیفیت تولید و الگوی توزیع در هر دوره تاریخی، معرف کیفیت تئوریزه شدن مفهوم عدالت اقتصادی است.

بر این اساس «تعادل معیشتی» سنتی (تعادل در سطح حداقل معیشت) به دلیل پیدایش رنسانس و انقلاب صنعتی به هم ریخته و «تعادل رفاه» جایگزین آن شده است.

اما در کشورهای کم‌توسعه یافته، جمعیت رو به گسترش وسعت یافته و حجم فقر نسبی به شدت افزایش یافته است.



۲/۳. بررسی «موضوعات» توسعه جامعه‌ی اقتصادی در «سطح خرد، کلان و توسعه» بر اساس ساختارهای مدل توسعه غربی

۲/۳/۱. بررسی موضوعات توسعه جامعه‌ی اقتصادی در «سطح خرد»

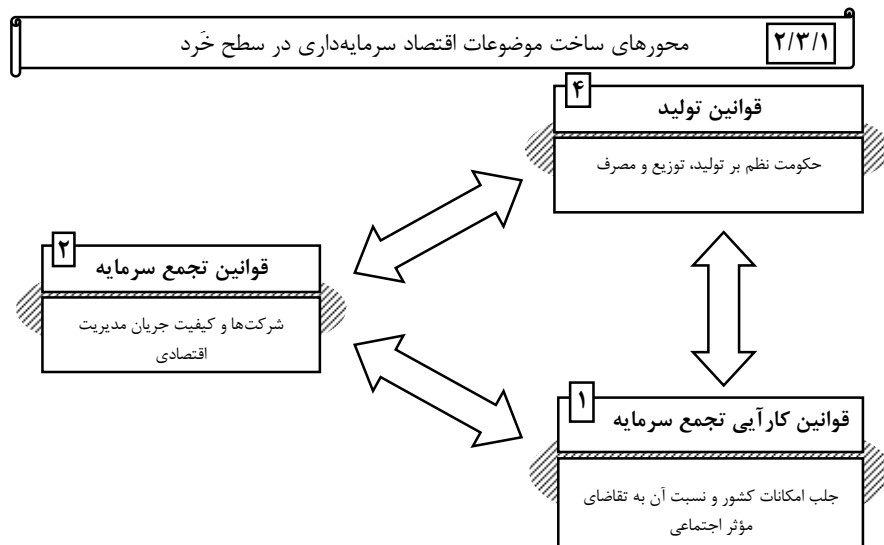
با انقلاب صنعتی، کیفیت نظم‌دهی به «تولید، توزیع و مصرف» در جامعه، مورد دقت اقتصاددانان قرار گرفت و تعادل این سه بخش در بالا رفتن «راندمان، ثروت، درآمد عمومی» ایفای نقش نمود. لذا «برنامه‌ریزی، سازماندهی، اجرا» در درون نظام اقتصادی مورد دقت قرار گرفته و با تفکیک «مالکیت از مدیریت» و تبدیل مالکیت‌ها به اعتبارات (سهام)، زمینه مدیریت مادی فراهم گردید. از طرف دیگر فلسفه مدیریت دموکراسی در مدیریت اقتصادی انعکاس یافت و با در اختیار گرفتن ۵۱٪ سهام در شرکت‌ها (اکثریت آراء) سرنوشت مدیریت‌های اقتصادی را نیز متحول کرد.

از این رو شرکت‌های سهامی عام و خاص به‌عنوان سلول اقتصاد سرمایه‌داری به وجود آمدند و به وسیله بانک‌ها ارگانیزه شدند و بانک مرکزی، سرنوشت قدرت کمی‌شده‌ی اقتصاد جوامع را به عهده گرفت و با معادله نشر اسکناس، توازن بین ارزش‌ها را ایجاد کرد. یعنی قوانین تجمع ثروت، مکانیزه و ساختار اقتصاد سرمایه‌داری شکل گرفت.

حال تجمع سرمایه و قوانین آن در زمانی کارآیی می‌یابند که بتوانند بر تقاضای مؤثر اجتماعی حاکم شوند و هدایت نیاز و ارضای اجتماعی را بر عهده گیرند که این مهم با

ایجاد شرایط «مکانیزم عرضه و تقاضا» در بازار به وسیله «نظام موازنه قدرت» تأمین می‌شود.

از این رو سرنوشت قانون‌گذاری در دولت‌ها تحوّل یافت و به نفع «تولید، ثروت و تکنولوژی» تغییر جهت داد.



۲/۳/۲. بررسی موضوعات توسعه جامعه‌ی اقتصادی در «سطح کلان»

انقلاب صنعتی با تحوّل در نظام اقتصادی و تحوّل در ساختار نظام‌های سیاسی، علت بوجود آمدن «فاصله طبقاتی» گردید. تعادل میکرو (خرد) در واحدهای تولیدی به تعادل ماکرو (کلان) - یعنی تعدیل‌هایی در سازماندهی کل جامعه - تغییر ظرفیت داد و دو شاخصه اصلی و اساسی علم اقتصاد (اقتصاد خرد و کلان)، مبانی نظری لازم برای کارکرد نسبتاً متعادل اقتصادی در جوامع صنعتی را فراهم آورد و جوامع مزبور با به‌کارگیری یافته‌های علمی در حوزه‌های فوق توانستند تا حدّ زیادی بر تأمین نیازهای اقتصادی جمعیت خود توفیق یابند.

از سویی مکانیزم قیمت‌ها با ملاحظه نسبت بین عرضه و تقاضای مؤثر اجتماعی تعیین می‌شود و با ملاحظه نسبت بین مقدورات و تقاضای مؤثر اجتماعی، هدایت نیاز و ارضاء جوامع به دست کارتل‌ها و تراست‌ها می‌افتد و از سوی دیگر نظام موازنه قدرت یعنی تعاریف حقوقی، تخصیص‌ها و مجوزات به عنوان شرایط مکانیزم عرضه و تقاضا عمل کرده و شیب آن را تعیین می‌کند. مدل‌های برنامه و الگوهای بانکی نیز ربط بین تعاریف و موضوع توسعه را از طریق نظام موازنه قدرت بیان می‌کنند.

بر این اساس دولت سرمایه‌داری جایگزین نظام‌های دموکراتیک می‌گردد.

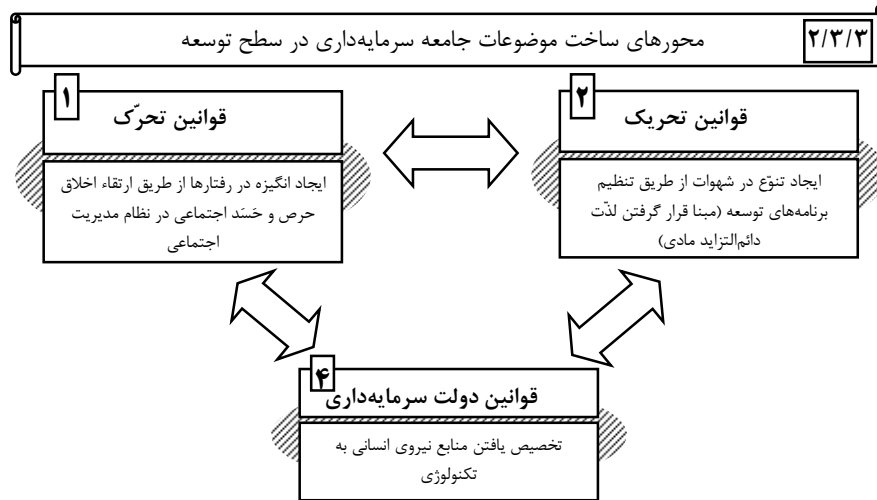
۲/۳/۳. بررسی موضوعات توسعه جامعه‌ی اقتصادی در «سطح توسعه»

بر اساس برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز تمدن موجود، سه محور ذیل در مکانیزه‌شدن اختیارات اجتماعی در دولت سرمایه‌داری قابل دقت می‌باشد:

۱. تحوّل در انگیزه‌ها با حادثه‌سازی در عرصه «نرم‌افزارها، سخت‌افزارها و مدیریت تحقیقات» و به دنبال آن متنوع‌شدن نیازمندی‌ها و نهادینه‌شدن آن در عرصه هنر اجتماعی در قالب مُد و الگوها، بشر را به دنبال دنیای مدرن امروز می‌کشاند. یعنی وصفِ «حرص»، پایگاه قوانین تحریک جامعه قرار می‌گیرد.

۲. انگیزه‌ها در ساختار مدیریتی هر سه بخش «دولتی، خصوصی و تعاونی» از طریق اخلاق «حَسَد سازمانی» مکانیزه می‌گردند و فرماندهی و فرمانبری مُدرن در قالب طبقه‌بندی الگوی مصرف جامعه، متناسب با پرورش سازمانی مادی جامعه شکل می‌گیرد. در نتیجه مدیر بر متخصص و متخصص بر کارگر فنی و کارگر فنی بر کارگر ساده حکومت می‌کند.

۳. بر این اساس، منابع نیروی انسانی به آثار ماده یعنی تکنولوژی و مظاهر و نمودهای آن تخصیص می‌یابد و این نرم‌افزار مدیریتی، ارمغان دولت سرمایه‌داری برای جامعه مدرنیته می‌باشد (بت‌پرستی مُدرن).

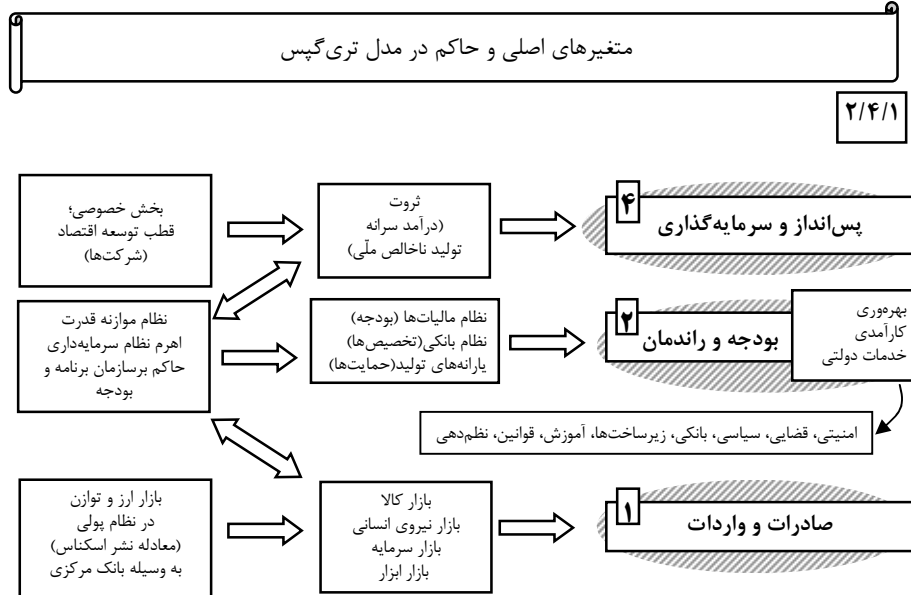


۲/۴. بررسی «اهداف» توسعه جامعه‌ی اقتصادی بر اساس ساختارهای توسعه

غربی

۲/۴/۱. کیفیت تئوریزه‌شدن فرآیند تولید ثروت

مدل اقتصادی تری‌گیس (سه‌شکافه) دارای سه متغیر «پس‌انداز و سرمایه‌گذاری»، «بودجه و راندمان» و «صادرات و واردات» است. «پس‌انداز و سرمایه‌گذاری» به‌عنوان متغیر اصلی در این مدل، مبین قطب‌بودن تولید در توسعه است. از این رو، بر اساس محور قرار گرفتن بازار آزاد و رقابتی‌بودن عرصه تولید، بخش خصوصی محور قرار می‌گیرد و ساختارهای سیاسی، قضایی و اجتماعی در حمایت از بخش خصوصی باید فعال باشند؛ یعنی بودجه و راندمان که شاخصه‌های عملکرد بخش دولتی است، باید در بالارفتن تولید ناخالص ملی و ثروت ملی و درآمد عمومی تلاش نماید تا بتوان از این رهگذر به مظاهر تمدن مدرنیته و مبنای رفاه دست یافت و از آن‌جا که اقتصاد ملی هر کشور بریده از اقتصاد منطقه، بین‌الملل و جهان نمی‌باشد، لذا الگوی صادرات و واردات نیز در راستای ارتقاء ثروت ملی در موازنه با بقیه کشورها می‌باشد، یعنی توازن ارزی نیز از شدت انگیزه‌های یک ملت در فرآیند تولید تبعیت می‌کند.



۲/۴/۲. کیفیت تئوریزه‌شدن فرآیند تحقیقات

صرفه‌جویی در مقیاس تولید به معنای نظام ارزشی مادی در فرآیند تولید بوده و این امر، تحقیقات سازمانی را متناسب با تقاضای مؤثر اجتماعی در نظام سرمایه‌داری تعریف می‌نماید.

نیاز و ارضای مادی، انسان اکونومیک را تعریف می‌کند و نرم‌افزارهای متمرکز و اتوماسیون، «روش تحقیق»، «موضوع تحقیق» و «زمینه تحقیق» متناسب با خود را می‌طلبد. بر این اساس مدیریت تحقیقات، سود را طبقه‌بندی نموده و مقیاس تأثیر امنیت سرمایه در روابط «جهانی، بین‌المللی و ملی» را در سود اجتماعی می‌داند و امنیت سود سرمایه به نرخ افزایش «ارز، سرمایه و بهره‌وری» تعیین می‌شود و امنیت کارآمدی تکنیک به تغییر در مقیاس عینی «سرعت، دقت و تأثیر» تعریف می‌گردد.

از این رو، بازاریابی نظام محصولات در فرآیند تولید تغییر یافته و تحول در مکانیزه کردن ساختارهای مدیریتی و اجتماعی و در نهایت بهینه‌روشنها در نظام مفاهیم و آموزش نیروی انسانی کارآمد را می‌طلبد. بنابراین رسیدن به هدف «تئوریزه‌شدن فرآیند تولید

ثروت» به معنایی که در عنوان ۲/۴/۱ توضیح داده شد، نیازمند مدیریت تحقیقات جدید بوسیله تولید سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مخصوص خود می‌باشد.

۲/۴/۳. متغیرهای تئوریزه‌شدن فرهنگ توسعه (سودآوری)

الف) ارتقاء سود سرمایه از مالکیت خصوصی به مالکیت حقوقی و از مالکیت حقوقی به منابع ملی نظام‌ها تبدیل و مکانیزه شده است. لذا مسأله سرمایه‌گذاری در تجارت جهانی و شناور بودن آن به معنای آمایش جغرافیایی کره زمین برای ارتقاء سود سرمایه است.

ب) شاخصه‌های آمایش سرزمین مانند مهاجرت از روستاها به شهرها و جابه‌جایی مهاجرت‌ها در جغرافیای سرزمینی یک کشور، به فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی، در منطقه و روابط بین‌الملل تعریف می‌گردد.

ج) از طرف دیگر ایجاد امنیت اقتصاد، به سطح «رفاه یک ملت و سطح درآمد و الگوی توزیع درآمد» یک ملت بازگشت می‌نماید و برای تعیین ظرفیت ارتباط قدرت کمی شده اقتصاد یک ملت، به ظرفیت «تولید، کیفیت هزینه یا تولید ناخالص ملی» یک کشور راجع می‌گردد.

۲/۵. کیفیت تئوریزه‌شدن «محصولات» الگوی توسعه غربی

اقتدار ملی هر کشور به ظرفیت و کارآمدی تکنیک و تکنولوژی آن نظام در عصر مدرنیته بازگشت می‌نماید و شاخصه دیگر مدیریت توسعه پایدار به میزان سلامتی و طولانی بودن عمر انسان و جلوگیری از مرگ و میرها و کنترل بیماری‌های مهلک (کنترل نرخ جمعیت) تعریف می‌شود و آزادی‌های سیاسی و ارتقاء سطح فرهنگ شهروندی و انضباط اجتماعی و وجدان کاری از دستاوردهای جامعه مدنی به شمار می‌آید.

توسعه پایدار، دانایی‌محور است. از این رو تحقیقات و ظرفیت آزمایشگاه‌ها و تکنولوژی تربیت نیروی انسانی در نظام آموزش و پرورش، گستردگی و تنوع کالاها و تکنولوژی هنر

در ایجاد رسانه‌ها و شبکه ارتباطات و مخابرات و نقش کتاب، مطبوعات و... همگی معرفت‌شاخصه‌های کمی بخش فرهنگ به شمار می‌آیند. یعنی «تکنولوژی» و «تحقیقات»، زیرساخت حضور اقتدار یک ملت در سازمان‌های جهانی و بین‌المللی است.

ارائه راه حل برای چالش‌های تمدن مدرنیته در عرصه‌های اجتماعی، امنیتی، محیط زیست، انرژی و صدها مقوله دیگر، معرفت ظرفیت مشارکت ملت‌ها در تمدن موجود از طریق تنظیم اسناد بین‌المللی است. تعاریف، تکالیف، تطبیق‌ها در معاهدات، مذاکرات و مسابقات، تعیین‌کننده‌ی سرنوشت ملت‌ها از منظر توسعه سیاسی جهانی است.

۳. چارچوب نظری پیشنهادی برای مدل پیشرفت اسلامی در دوران گذار؛ در سه سطح «نظام مفاهیم، ساختارها و محصولات»

۳/۱. کیفیت تئوریزه‌شدن «نظام مفاهیم» مبانی فلسفه تاریخ الهی در دروان

گذار

«نظام گمانه‌زنی و تطرق احتمالات» در فلسفه انقلاب اسلامی، بر اساس «عقلانیت و وحیانی» استوار است. از این رو، در زمان غیبت با عنایات خاصه حضرت حق جلت‌عظمته از طریق حضرت ولی عصر (عج)، «جریان طاعت» سیر تاریخی خود را طی می‌نماید.

در وضع موجود، «تکالیف افراد» بر اساس «فقه موجود» مشخص می‌گردد و «تکالیف اجتماعی» با نظارت شورای نگهبان و «ملاحظه عدم مخالفت» قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی با اسلام تعیین می‌شوند و «تکامل مادی» به عهده «علمای حسی» یعنی نهاد دانشگاه می‌باشد.

نظام مفاهیم یا طبقه‌بندی علوم بر مبنای فلسفه انقلاب، به صورت ذیل بین نهاد حوزه و دانشگاه تقسیم شده است:

«فلسفه چرایی و فلسفه چیستی»، به عهده «منطق نظری و انتزاعی حوزه» و «فلسفه چگونگی»، به عهده «فلسفه شدن دموکراسی» و «نهاد دانشگاه» می‌باشد. در نتیجه ضریب

فلسفه چگونگی، «۴» و فلسفه چیستی و چرایی به ترتیب «۲» و «۱» خواهد شد. از این رو، «منطق حجیت‌گرای حوزه» با «منطق حس‌گرای دانشگاه» در چالش است. بنابراین تنظیم نقشه جامع علوم باید با تغییر در الگوی «تخصیص تولید علم و معرفت به نفع جهت‌گیری‌های اسلامی انقلاب» تغییر نماید.

۳/۲. ضرورت پیشرفت «جامعه‌ی تاریخی»، «جامعه‌ی اسلامی» و «نظام مبارک جمهوری اسلامی ایران» بر اساس فلسفه تاریخ الهی در دوران گذار

۳/۲/۱. کیفیت تنویر شدن «جامعه‌ی تاریخی»

بر اساس فلسفه نظام الهی، تعریف «انسان، جامعه و حیات» و کیفیت نیاز و ارضاء آن، محدود به طبیعت مادی نمی‌شود؛ بلکه نیاز و ارضاء طبیعت مادی باید از ساختارهای «اجتماعی، انسانی، تکاملی» تبعیت کند و تکامل ساختارهای اجتماعی نیز باید از «جریان ارضاء و نیاز معنوی» یا «جریان ولایت تاریخی الهیه» تبعیت نماید. از این رو، اولین تقسیمات اجتماعی فلسفه تاریخ یا حیات دنیای مادی، «جامعه الهی، جامعه التقاطی و جامعه الحادی» می‌باشد و اولین مقاطع رشد جوامع الهی در فلسفه تاریخ عبارت است:

الف) از هبوط حضرت آدم(ع) تا بعثت پیامبر اسلام(ص): مردم و امت‌ها مبتلا به «امتحانات و معجزات حسی» می‌باشند و غلبه حکومت‌ها با سلطه «بت‌پرستان» است.

ب) از بعثت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام(ص) تا ظهور حضرت ولی عصر(عج): مردم و امت‌ها مبتلا به «امتحانات عقلانیت و معجزات عقلانی» می‌باشند و غلبه حکومت‌ها با سلطه «ادبیات‌های مادی» است.

ج) از ظهور حضرت ولی عصر(عج) تا برپایی قیامت: مردم و امت‌ها مبتلا به «امتحانات و معجزات روحی(شهودی)» می‌باشند و غلبه حکومت‌ها با سلطه «اهل ایمان و یقین» است.

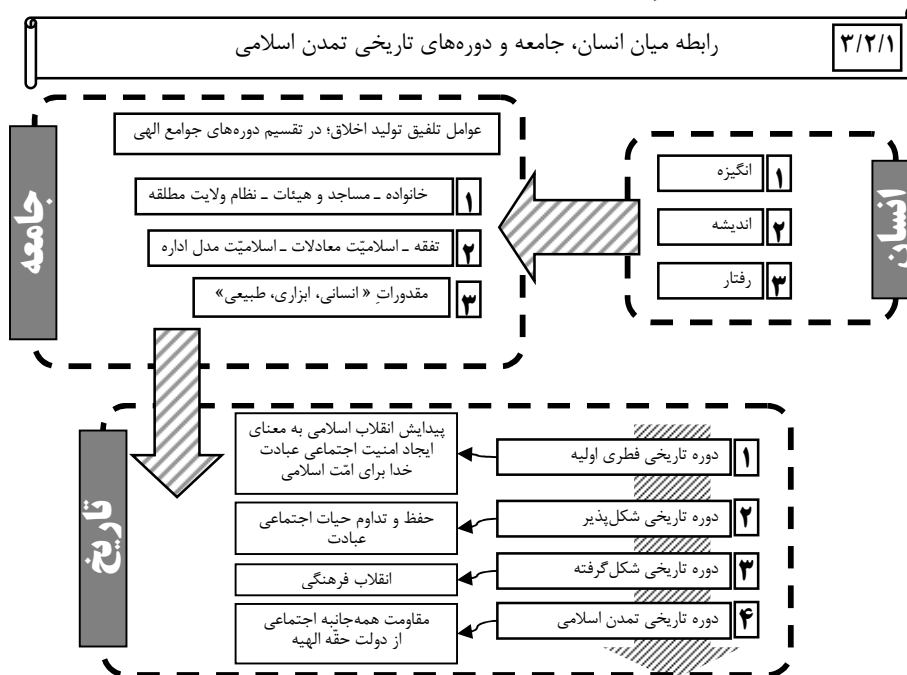
بر این اساس، تاریخ و تمدن بشری در هر مقطع، دارای «مراحل رشد درونی» است و مانند رشد انسانی به سه دوره تقسیم می‌گردد و دوره‌های تمدن الهی بر اساس نیازمندی‌های تکامل الهی، به «جریان استضاءه به عقلانیت وحی» در مقطع دوم تاریخ باز می‌گردد.

«تکامل تفقه» دارای سه دوره:

الف) اخباری‌گری (نطفه) تا پذیرش منطق استناد در حوزه‌های علمیه (قبل از بلوغ)
 ب) تکامل علم اصول فقه مکلفین (قبل از بلوغ) تا پذیرش علم اصول فقه احکام حکومتی (بلوغ)

ج) پذیرش علم اصول فقه احکام حکومتی (بلوغ) تا پذیرش تمدن حقه الهی بر اساس فقه شیعه اثنی‌عشری

می‌باشد. نسبت رشد و استضاءه به کلمات وحی در هر مرحله، معرف «ظرفیت جریان طاعت» در روابط اجتماعی در آن دوره است و باید نسبت تعادل و عدم تعادل (میزان) نیز متناسب با «جریان تولد وجدان عمومی» به «مشیت بالغه الهی» در آن دوره، تعریف گردد.



سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

۳/۲/۲. کیفیت تعویز شده «جامعه‌ی اسلامی»

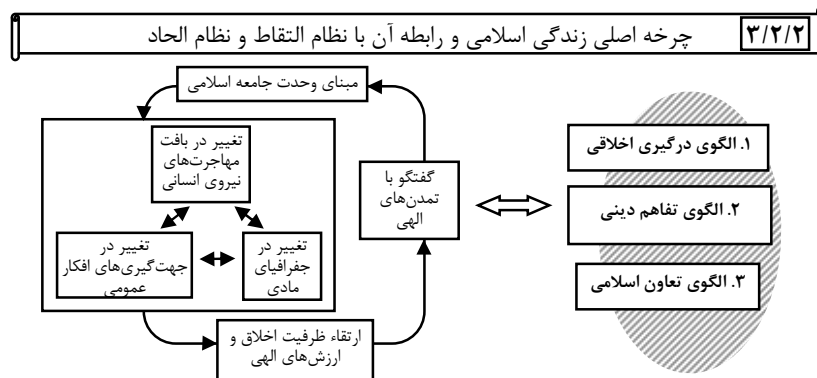
تاریخ مدرن بشری، سه تحول بزرگ را به خود دیده است:

۱. پذیرش اختیارات در مدیریت سیاسی بشر در قالب فلسفه شدن دموکراسی غرب
۲. به پذیرش رساندن منطق جدید در عرصه اندیشیدن در تولید علم؛ به‌طور کیفی و کمی
۳. ارتقاء سطح رفاه «اجتماعی، عمومی، فرهنگی» با تحول در «صنعت و تولید تکنولوژی» در عرصه سخت‌افزارها و نرم‌افزارها

بر اساس همین تحولات بود که چرخه اصلی زندگی اسلامی که بر اساس تمدن التقاطی مسلمانی بنا شده بود، فروپاشید و جهان اسلام تجزیه شد؛ اما با درک عمیق از استعمار نو و مُدرن به وسیله فقهای عظیم‌الشان اسلام و قیام شکوهمند ملت شریف ایران، تحت زعامت مرجعیت دینی شیعه حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی(ره)، نظام مبارک جمهوری اسلامی بوجود آمد. از سوی دیگر وجدان عمومی جهان اسلام بعد از شکست در مقابل تمدن رنسانس با انفعال شدید برای حفظ خود، به ورطه «عدالت مادی مارکسیستی» پناه برده بود تا بتواند انتقام خود را از بلوک غرب و نظام سرمایه‌داری بگیرد که این امر نیز با شکست مواجه شد.

بنابراین عدالت مادی اقتصاد غرب، علت «ایجاد شکاف طبقاتی» و «بروز حاکمیت جهانی سلطه قشر سرمایه‌دار بر تمدن بشری» شده است و عدالت مادی اقتصاد شرق که از طریق «فریب و سازماندهی انگیزه جوانان مسلمان» در جهان اسلام ارتزاق می‌نمود نیز با اقامه پرچم عدالت الهی و قرآنی جمهوری اسلامی فروپاشید.

بر این اساس دو بلوک شرق و غرب خود را در مقابل اندیشه جدید «اسلام ناب محمدی(ص)» می‌بینند و اکنون بعد از ایجاد انقلاب سیاسی اسلامی، ضرورت «اقامه انقلاب فرهنگی» و تکیه به «فلسفه شدن اسلامی» در مدیریت نظام، ضربه دوم را بر فلسفه‌های شدن دموکراسی غرب و شرق و عدالت‌های دروغین آن‌ها وارد می‌نماید.

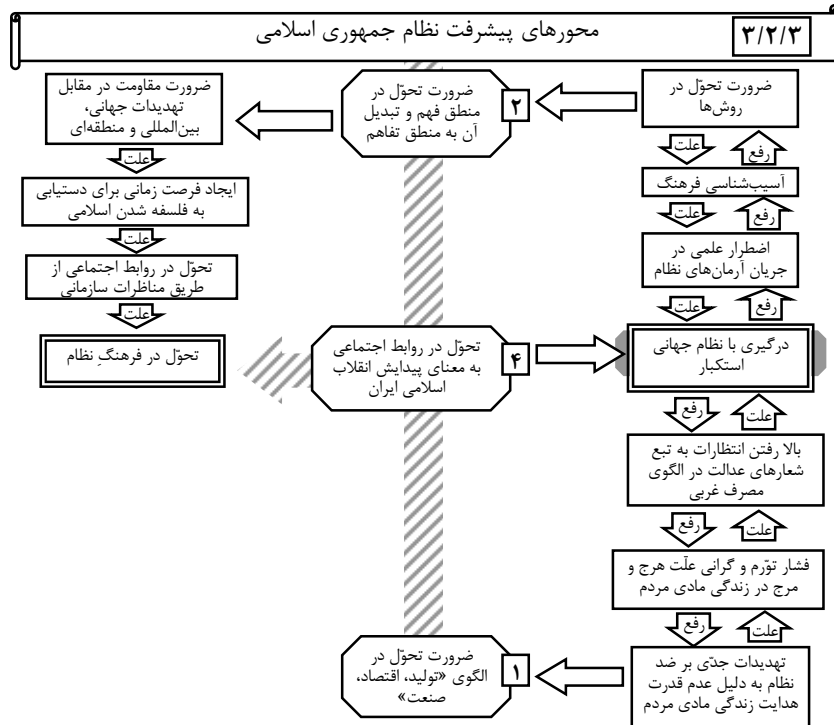


۳/۲/۳. کیفیت تثوریزه‌شدن نظام مبارک جمهوری اسلامی ایران

تحوّل در چرخه اصلی زندگی معنوی بشر، طی گذر تاریخی از درگیری و عصبیت حاکم بر نظام‌های استکبار بر ضد جامعه انبیاء، اولیاء و مؤمنین شروع می‌شود و این امر، علت بهینه رفتار مؤمنین نسبت به محیط و فضاهاى حاکم بر زندگی اجتماعی آنها می‌گردد. تحوّل در روابط اجتماعی در ۱۵۰ سال اخیر، ادراک از «مدیریت در مقیاس مولویت» را به «مدیریت در مقیاس مشارکت» تبدیل نموده است. از طرف دیگر، فرآیند اداره زندگی‌های مُدرن که محل ابتلای نظام جمهوری اسلامی شده است، بر محور «علم و فن» متکی است. ویژگی علم و فن از یک طرف، منابع طبیعی بسیار وسیع‌تری در اختیار بشر قرار داده است و از طرف دیگر، منابع انرژی مورد استفاده در تولید اقتصادی از «منابع انسانی، حیوانی» به «منابع مصنوعی» تبدیل شده است و تکامل مادی بشر را بسیار پیچیده، متنوع و تحوّل‌گرا قرار داده است. از این رو، سجده بر دستاوردهای علم به معنای اعجاب‌انگیز بودن «کمیت»، «کیفیت»، «سرعت» و «دقت تصرف» در تسخیر طبیعت، زمینه «انسانی نو» را فراهم آورده است و این امر نیز، چیزی جز «تولد فرهنگی نو در قالب مدرنیته» نبوده که مورد قبول و پذیرش جامعه جهانی قرار گرفته است.

نظام توسعه‌یافتگی مُدرن در قالب «تکنولوژی، تنوع در سطح زندگی‌های مادی و دستاوردهای علمی»، چالش اصلی نظام مبارک جمهوری اسلامی است. بنابراین نظام جمهوری اسلامی باید بتواند در مراحل گذار با استقلال «علمی، فنی و ابزاری»، به حیات خود ادامه دهد و در سال‌های بسیار دورتر به «تکنولوژی اسلامی» بر اساس «تعاریف و معادلات اسلامی» دست یابد. این امر، تحوّل در روش‌ها در امور «نقلی، عقلی و حیات

طبیعی» را می‌طلبد تا به وسیله منطق و روش جدید، «فرهنگ انتزاعی و نظری حوزه‌ها» و «فرهنگ کاربردی، مادی و مجموعه‌نگر دانشگاه» در هم ذوب شوند. در واقع ارائه تئوری کاربردی ولایت مطلقه فقیه در عرصه ادبیات سیاسی، راه‌گشای تحوّل در ساختارهای «فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی» است. در نهایت نظام مبارک جمهوری اسلامی باید بتواند با «انقلاب فرهنگی»، «تمدن حقّه الهیه» را در همه عرصه‌ها همچون هنر، صنعت، تحقیق، تولید و... پی‌ریزی کند.



۳/۳. بررسی «موضوعات» پیشرفت نظام جمهوری اسلامی در «سطح خرد، کلان و توسعه» بر اساس ساختارهای اسلامی در دوران گذار

۳/۳/۱. بررسی «سطح خرد» موضوعات نظام جمهوری اسلامی

با برپایی انقلاب اسلامی، حفظ امنیت داخل برای تداوم حیات انقلاب و مقاومت در برابر تهدیدات خارجی، در اولویت اول قرار گرفت. از این رو، «شهادت‌طلبی»، «فرهنگ ایثار در تمامی زمینه‌ها» و «دفاع از ارزش‌های اسلامی و دینی»، به عنوان سه متغیر اصلی موضوع نظام، مورد توجه قرار گرفت. بسیج مردمی در دفاع از ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های الهی رهبران نظام، نقش نهادهای انقلابی را در سرنوشت نظام نشان می‌دهد و تأثیر نهادهای انقلاب نیز برخاسته از نهاد خانواده بوده و این مهم نیز بدون نقش بی‌بدیل جامعه زنان مسلمان، محقق نمی‌شد.

از آن‌جا که نظام‌های الهی دارای اهداف اخلاقی می‌باشند، نقش نهاد خانواده به‌عنوان «سلول جامعه الهی»، تعیین‌کننده می‌باشد و در شکل‌گیری ساختار نهادهای انقلابی همچون «سپاه پاسداران»، «اطلاعات سی و شش میلیونی» و بسیج «یا ارتش بیست میلیونی» اهمیت داشته و توانسته است اخلاق را در جامعه ارگانیزه نماید.

بعد از قطعنامه و تثبیت نظام سیاسی در جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی، با ورود نظام در عرصه سازندگی، «نهاد خانواده» و «ساختارهای انقلابی»، در مقابل «اخلاق پرورشی و آموزشی غربی» قرار گرفتند و بستر «تهاجم فرهنگی غرب» بوجود آمد. اما علی‌رغم «تداوم گرانی»، «تورم»، «تظاهر به فحشاء و بزه‌کاری»، «کنترل جمعیت» و ده‌ها مقوله خرد دیگر و ایجاد آسیب‌های اجتماعی، تشدید و تداوم درگیری‌ها با استکبار جهانی، علت بقای نظام شده است.

۳/۳/۲. بررسی «سطح کلان» موضوعات نظام جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی با تحوّل در وجدان عمومی بشریت، توانست افکار عمومی «جهان، جهان اسلام و مردم منطقه» را به جای «انحصار زندگی در مسیر مادی» به «تأمل، دقت و تجدید نظر» در زندگی مادی فراخوانده و بعضی از آن‌ها را به قیام بر ضد نظام استکبار، سوق دهد.

برقراری تعادل در روابط «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» با «جامعه جهانی، جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه» به معنای «حفظ صیانت نظام» بوده و امروزه، اقتدار نظام مبارک جمهوری اسلامی، عامل گسترش روابط نظام شده است.

آزمون و خطای «کارشناسی شرقی» در عرصه مدیریت نظام در دوران هشت سال دفاع مقدس و آزمون و خطای «کارشناسی غربی»، در عرصه مدیریت نظام در دوران شانزده سال «سازندگی» و «توسعه سیاسی»، تجارب بسیاری در بخش «دولتی، تعاونی و خصوصی» برای «افراد، اصناف و نظام» به وجود آورده است که می‌توان از آن‌ها استفاده نمود و به ضرورت‌های جدید برای ترسیم «اهداف و موضوعات جدیدتر» دست یافت.

آنچه بیشتر از همه اعتماد عمومی را مورد هجومه قرار می‌دهد، الگوی «تولید، توزیع و مصرف» و آزمون و خطای آن در «اقتصاد دولت‌محور» و «اقتصاد خصوصی‌محور» است و هنجارشکنی ذاتی این دو رویکرد علمی - تخصصی در عرصه اقتصاد، انگیزه‌های دینی مردم ایران را مورد هجومه قرار داده است. عدم تحقق عدالت در زندگی مادی ملت شریف ایران از یک طرف، و باورهای دینی مردم شریف ایران نسبت به تعریف و تحقق عدالت از سوی دیگر، موجب تهدید و چالش اصلی در نظام شده است و این مهم با تصمیم انقلابی آن‌ها در کنار گذاشتن جناح‌های «سیاسی، انقلابی و مذهبی» در عرصه انتخابات تبلور یافته است که در نهایت ظرفیت مشارکت سیاسی مردم از «تحرز گرای» به پذیرش «برهان، منطق و تحلیل» پیرامون چالش‌های نظام ارتقاء یافته است. این امر، معنای سیر جریان تقاضای مؤثر اجتماعی بر مبنای نظام الهی است.

۳/۳/۳. بررسی «سطح توسعه» موضوعات نظام جمهوری اسلامی

با ارسال رسولان الهی و پرچمداران توحید، سه محور ذیل قابل دقت می‌گردد:

الف) کیفیت حفظ وحدت کلمه توحیدی

ب) ترسیم چشم‌اندازهای تمدن حقّ الهیه

ج) برنامه‌های عدالت الهیه

برای ارگانیزه شدن نظام اختیارات اجتماعی در جریان «خالقیت، ربوبیت و هدایت» الهی، نکات ذیل قابل دقت است:

۱. تحوّل در «انگیزش اجتماعی» جهانی، با دعوت به خداپرستی و مقاومت در مقابل تمامی «دشمنی‌ها، جنگ‌ها و تهدیدات» نظام استکبار جهانی برای ایجاد امنیت «روانی، ذهنی و عینی» انسان‌ها در پناه «ارزش‌ها، حقوق و تکالیف» الهی است، تا «بنیان اخلاق جوامع» استوار بماند.

۲. تحوّل در پرورش «بینش اجتماعی» جامعه جهانی، با تفاهم در موضوع خداپرستی در سه سطح فلسفه «چرایی، چیستی و چگونگی» و اثبات هماهنگی آن در مفاهیم پایه‌ی «وحدت و کثرت»، «زمان و مکان» و «اختیار و آگاهی» می‌باشد و باید بتواند همه عرصه‌های «هستی‌شناسی، ریاضی و طبیعت» را در «بنیان نظام فکری جوامع» حفظ نماید.

۳. تحوّل در «گزینش» دانش جامعه جهانی، با تولید تکنولوژی اسلامی برای ایجاد بستر خداپرستی در سه قلمرو «حیات، جامعه و انسان» و جریان کارآمدی آن با فراهم نمودن شرایط آزمایش در «منطق کاربردی، تجزیه و ترکیب» می‌باشد. از این رو، علوم پایه در «فیزیک، شیمی و زیست»، معرف «بنیان نظام صنعت جوامع الهی» است.

۳/۴. بررسی «اهداف» الگوی پیشرفت نظام جمهوری اسلامی بر اساس

ساختارهای اسلامی در دوران گذار

۳/۴/۱. تغییر در جهت‌گیری تولید ثورت

مدل اقتصادی تری‌گپس - سه شکافه (غربی) دارای سه متغیر ذیل است:

(الف) پس‌انداز و سرمایه‌گذاری (۴)

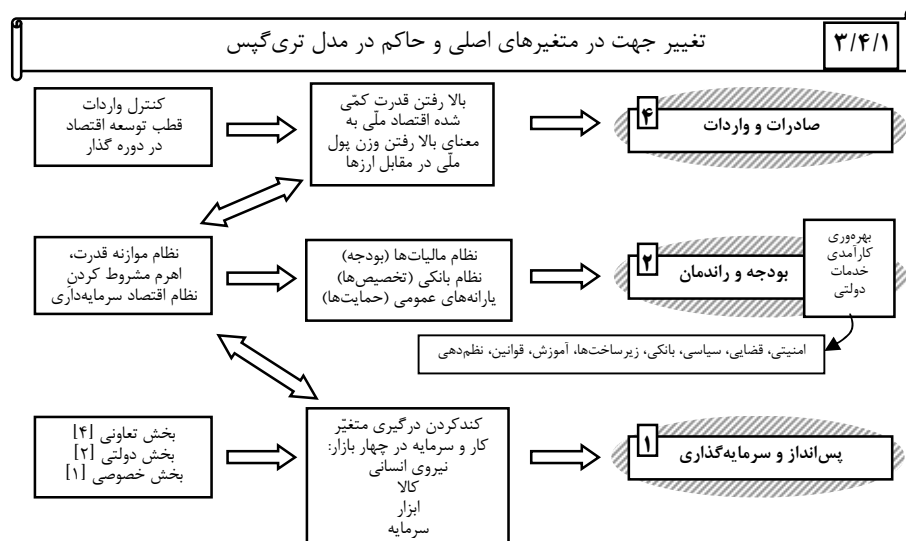
(ب) بودجه و راندمان (۲)

(ج) صادرات و واردات (۱)

این مدل با «تغییر جهت‌گیری حاکم بر آن»، برای دوران گذار قابل استفاده است. بنابراین «تولید محوری» در اقتصاد دوره گذار، جای خود را به «توقف سطح و مبنای رفاه» می‌دهد و این، به معنای «تغییر استراتژی ارتقاء انتظارات» از طریق «کنترل واردات» می‌باشد.

تعریف بازار آزاد و رقابتی به‌عنوان «اقماری حول دولت سرمایه‌داری»، به «بازار باکرامت و رقابت با اخلاق» تغییر پیدا کرده و از سلطه دولت سرمایه‌داری کاسته می‌شود و این روند «ساختارهای قضایی، اجتماعی و فرهنگی و آموزشی» را در «حذف وحدت و کثرت موضوعات دنیا» ساماندهی می‌نماید.

«بودجه و راندمان» - که شاخصه عملکرد بخش دولتی است - باید در بالارفتن قدرت کمی‌شده اقتصاد ملی (پول ملی) در موازنه با سایر ارزها عمل نماید تا بتواند از این رهگذر، دنیای مادی مردم را کوچک کرده و انگیزه‌ها را در تولید ملی بر اساس «آخرت‌گرایی» تشدید نماید.



۳/۴/۲. متغیرهای موضوعات تحقیقات

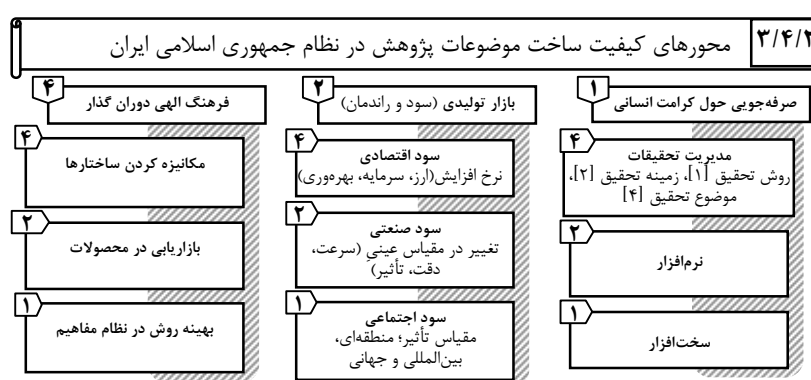
با کنترل واردات و پذیرش عدم ارتقاء سطح رفاه در زندگی مادی، «سود اجتماعی» به «امنیت سود سرمایه» و «نرخ افزایش ارز، سرمایه و بهره‌وری» معنا نمی‌شود و «امنیت کارآمدی تکنیک» به تغییر در مقیاس عینی «سرعت، دقت و تأثیر» در امور مادی تعریف نمی‌گردد. یعنی مدیریت تحقیقات در جهت «تجزیه تکنیک و نرم‌افزارهای متمرکز و اتوماسیون» بسیج می‌شود تا الگوی «تولید، توزیع و مصرف» تغییر جهت داده و تعریف انسان را از «انسان اکونومیک» به تعریف «انسان، حول عقلانیت دین‌محور» سوق دهد.

«روش تحقیق»، «موضوع تحقیق» و «زمینه تحقیق» در راستای «تقاضای مؤثر اجتماعی حول نظام اخلاقی جمهوری اسلامی» تدوین می‌شود و با «تحقیقات سازمانی متناسب با تقاضای مؤثر اجتماعی، حول دولت سرمایه‌داری» برخورد می‌کند.

از این رو، بازار تولیدی از «سود و راندمان» بر اساس فرهنگ مادی تغییر جهت داده و به «بازار تولیدی حول استقلال اقتصاد نظام جمهوری اسلامی در منطقه» تبدیل می‌شود و «سود اجتماعی» بر «سود اقتصادی بازار و سود صنعتی» حاکم می‌گردد.

از سوی دیگر بازاریابی محصولات در امر صادرات، بریده از فرهنگ اسلامی نبوده و تحوّل در ساختارها حول «استقلال فرهنگی» و «استقلال اقتصادی»، نظام را مکانیزه می‌کند.

روش‌ها نیز در تولید اندیشه (نظام مفاهیم) بهینه می‌شوند.



۳/۴/۳. متغیرهای فرهنگ ایثار (توسعه خیرات)

هرگاه ایجاد امنیت اقتصادی به سطح رفاه یک ملت در دستگاه سرمایه‌داری معنا نشود، «استقلال اقتصادی نظام» حول ساماندهی تولید و سطح درآمد و الگوی توزیع درآمد بر مبنای کرامت انسانی و متغیر کار در چهار بازار تعریف می‌گردد.

این بدان معناست که سود «ساختارهای مالی درون نظام» از درگیری با «ساختارهای مالی بیرونی» به:

الف) مهندسی طرح جدید در مدل بانک

ب) الگوی تخصیص اعتبارات

ج) ریاضیات جدید در معادله نشر اسکناس

تبدیل می‌شود و در این صورت «ثروتمندشدن حول فرهنگ اسلامی، بومی» تحقق می‌یابد.

همچنین «مالکیت فردی» به جای «قوانین مالکیت بخش خصوصی»، علت:

الف) ارتقاء انگیزه تولید در نظام وقف

ب) آمایش سرزمین حول ارتقاء توسعه خیرات

ج) مزیت‌های نسبی حول توسعه خیرات و نظام وقف در منطقه

د) تغییر بافت مهاجرت‌ها

می‌شود.

۳/۵. کیفیت تئوریزه شدن «محصولات» الگوی پیشرفت اسلامی در دوران گذار

ارائه راه حل برای چالش‌های نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های «اجتماعی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی»، معرفت‌ظرفیت توانمندی‌های نظام در مشارکت‌دادن مردم در مقابله با تهدیدات همه‌جانبه تمدن غرب است که با «تفاهم در صحنه ملی» و «حضور فعال در صحنه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه و جامعه بین‌الملل» تحقق می‌یابد.

تدوین چشم‌اندازهای بلندمدت و برنامه‌های پنج‌ساله برای تحقق اسلامی نظام جمهوری اسلامی و خروج از روزمرگی، نیازمند «وحدت علمی- فرهنگی» نظام است.

اولین گام در این عرصه، «ایجاد امنیت مالی- اقتصادی» و «تحقق عدالت مادی اسلامی» برای مردم است و این امر، بدون «تغییر در الگوی تکنیک» و «تغییر ظرفیت کارآمدی آن‌ها» در جهت «اهداف و آرمان‌های دینی» ممتنع است.

در واقع با دستیابی به «شاخصه کمی جدید» به وسیله ارتقاء سطح فرهنگ متناسب با آن، «تحقق انگیزه‌های تولید» و «ثروت ملی» میسر می‌گردد.

تدوین نقشه جامع علمی و تحقیقاتی، زیرساخت حضور اقتدار یک ملت است. «ایجاد ساختار شهروندی بر اساس تعریف طاعت» برای ارتقاء وجدان کاری و انضباط اجتماعی، علت ایجاد «اعتماد عمومی» می‌گردد.

۴. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

باید توجه داشت که براساس مدل‌های رایج توسعه، تحول در کشورهای کم‌توسعه‌یافته با تحول در نهادهای تولیدی آن آغاز می‌شود، یعنی ابتدا تحول در رفتار اقتصادی جامعه موضوع برنامه‌های توسعه قرار می‌گیرد تا اخلاق مردم با دستاوردهای توسعه آشنا گردد. بعد از آن تحول در رفتار آموزشی و سپس تحول در رفتار پژوهشی جامعه موضوع برنامه‌های توسعه قرار می‌گیرد. بر این اساس با تحول در نخبگان ملی، اخلاق مردم برای رسیدن به استانداردهای جهانی و عضویت در جامعه جهانی فراهم می‌گردد. در این فرآیند، منفعت و مصلحت و امنیت (جنگ و صلح)، بر اساس درصد توسعه‌یافتگی کشورها تعیین می‌شود و

کشورهای کم توسعه یافته مورد تهدید و تعرض واقع می‌شوند و عضویت کشورها به میزان سرعت بخشیدن به گردش اعتبارات قدرت، اطلاع و ثروت ابرقدرت‌ها و قدرت‌های جهانی تعریف می‌شوند و در صورت تخلف از عرف و بنای عقلاء جهانی مجازات می‌گردند. از این رو بی‌عدالتی سیاسی، امر ذاتی نظام سرمایه‌داری است.

برنامه‌های توسعه غربی، نظام موازنه قدرت را به نفع کارتل‌ها و تراست‌ها در منزلت «دولت سرمایه‌داری» فراهم می‌نمایند و برای کنترل نارضایتی قشر مستضعف و کارگران، با ایجاد سندیکاهای کارگری و سازمان تأمین اجتماعی، سوپاپ اطمینانی برای نظام بی‌عدالت سرمایه‌داری بوجود می‌آورند. از این رو محرومیت و بی‌عدالتی اقتصادی امر ذاتی نظام سرمایه‌داری است.

اخلاق «حرص» در نظام لیبرال‌دموکراسی غربی نهادینه شده و با تنوع در کالاها و تدوین استراتژی مصرف، ظرفیت ارضاء نیاز مادی بشر را ارتقاء داده و رفاه را مبنای توسعه‌یافتگی معرفی می‌کنند و برای آیین دنیاپرستی مدرن (بت پرستی مدرن) نظم نوین و حقوق مدرن و تکنولوژی مدرن تولید می‌کنند.

اخلاق «حسد» در نظام اداری با تنظیم الگوی مصرف طبقاتی، ابزار کنترل و ایجاد انگیزه برای ارتقاء در بازار کار است. لذا فساد اداری در «سطح کلان» ساختارهای اداری مدرنیته، امری بدیهی و در «سطح میانی» مدیران، قانون‌مند گردیده است و این فساد را در «سطح پایین» اداری با مجازات‌های سنگین و متنوع کردن سیستم‌های پلیسی به حداقل می‌رسانند.

اما در الگوی پیشرفت اسلامی، ارزش‌های آرمانی یا دینی به معنای قبول بندگی خدا در زندگی دنیا و عمل به مناسک بندگی است که رشد، قدرت و تکامل در سایه عمل به اخلاق حسنه در مقابل اخلاق رذیله را به دنبال دارد.

از این رو درگیری با مدل توسعه غربی به معنای برخورد ذاتی آن با اخلاق حسنه و قبول اخلاق حرص و حسد در عرصه مدیریت جهانی و فاصله طبقاتی در عرصه عدالت مادی و ... و در چالش با هویت اسلامی و انقلابی نظام مبارک جمهوری اسلامی است.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خرداوا ۱۳۹۳

یعنی ارزش‌های عینی برخاسته از فرهنگ انقلاب با ارزش‌های ناشی از فرهنگ توسعه‌یافتگی درگیرند.

لذا بعد از این که «نظام مفاهیم، ساختارها و محصولات» توسعه‌یافته در نظام الهی تعریف شد، زمینه تحقیق پیرامون نیاز و ارضاهای اسلامی فراهم می‌گردد و برنامه و نقشه راه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین می‌شود.

در گام بعدی چشم‌اندازها، برنامه‌های توسعه‌ی پنج‌ساله و «پیش‌بینی، هدایت و کنترل» برنامه‌های اجرائی نظام مبارک اسلامی بر اساس الگوی پیشرفت اسلامی ترسیم و تبیین خواهد یافت.

فهرست منابع

۱. بیانات مقام معظم رهبری.
۲. بهینه و تقریر مباحث طبقه‌بندی موضوعات جامعه. (۱۳۸۹-۱۳۸۶). قم: گروه مدل، حسینیه اندیشه. چاپ داخلی.
۳. طبقه‌بندی موضوعات جامعه. (۱۳۷۶). دفتر فرهنگستان علوم اسلامی. چاپ داخلی.
۴. طرح الگوی توسعه. (۱۳۷۷). دفتر فرهنگستان علوم اسلامی. چاپ داخلی.
۵. عظیمی، حسین. (۱۳۸۳). ایران امروز در آینه مباحث توسعه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۶. عظیمی، حسین. (۱۳۸۴). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی، چاپ ششم.
۷. مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه. (۱۳۸۳). تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۸. مطالعات اولیه برای نقد و نقض کتاب طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور (مسعود نیلی و همکاران). (۱۳۸۴). قم: گروه مدل، حسینیه اندیشه. چاپ داخلی.
۹. ناهنجاری‌های اجتماعی. (۱۳۷۸). دفتر فرهنگستان علوم اسلامی. چاپ داخلی.
۱۰. نقد و بررسی کتاب ایران امروز در آینه مباحث توسعه. (۱۳۹۰-۱۳۸۹). قم: گروه مدل، حسینیه اندیشه. چاپ داخلی.
۱۱. نقد و بررسی کتاب مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. (۱۳۸۹-۱۳۸۶). قم: گروه مدل، حسینیه اندیشه. چاپ داخلی.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

۱۲. نیلی، مسعود و همکاران. (۱۳۸۳). خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور. تهران: دانشگاه صنعتی شریف، مؤسسه انتشارات علمی.